

**نویسنده:** اندریو واسیویچ «Andrew Bacevich».

**منبع و تاریخ نشر:** انفارمیشن کلیرنگ هوز «2020-12-21».

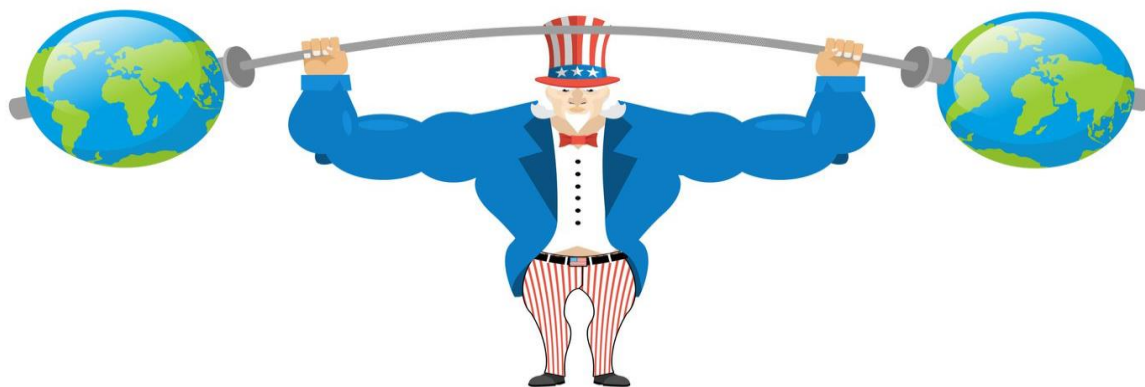
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

## جنگ بی پایان برای حفظ تقدم آمریکا

*The endless war to preserve American primacy*

ایالات متحده که نتوانسته است در خارج از کشور به پیروزی برسد؛ با انباشت بحران های داخلی روبرو شده است که این دو باهم مرتبط هستند.

*Unable to achieve victory abroad, the united states has been battered by an accumulation of crises at home the two are related*



تظاهرکنندگان در طی اعتراض ضد جنگ در «25» ماه اکتوبر سال «2003» در واشنگتن دی سی راهپیمایی کردند؛ هزاران تظاهرکننده خواستار پایان اقدامات نظامی در عراق شدند که نیروهای باید بخانه آورده شوند (عکاسی الکسی وانگ / گیتی ایماژ).

اکنون نزدیک به دودهه است که نیروهای ایالات متحده برای حفظ تفوق و برتری آمریکا در حال جنگ اند. البته این نام رسمی نیست بلکه هدف اصلی جنگ است؛ در صورت عدم تا بیدموضوع مذکور؛ وضع بیشتر به چگونگی ارزیابی عملکرد دولت آینده «بایدن» از چشم انداز جنگ بستگی دارد. سرنوشت ریاست جمهوری وی ممکن است به تما یل «بایدن» برای تسریع روند ختم طولانی مدت ترین جنگ منجر شود.

در طی روزهای پرتحرک فروپاشی کمونیزم؛ نخبگان سیا سی آمریکا از اظهار نظر درباره وضعیت منحصر بفرد ایالات متحده بعنوان تنها کشور ابر قدرت ضروری و لازمی خوشحال شدند از اینکه ایالات متحده لوکوموتیو تاریخ بوده؛ بقیه انسان ها یا بشریت باقیمانده با در نظر داشت رعایت

به وظایف خود در عقب کابین کشانده میشوند یا که در عقب کابین قرار میگیرند و طبق آنچه که در نظر گرفته شده؛ در طول دهه (1990) راه پیش رو روشن به نظر میرسد.

هنگامیکه حملات تروریستی «11» ماه سپتامبر شکاف ادعای تقدم آمریکایی ها را فراهم کرد؛ رییس جمهور جورج دبلیو بوش بلافاصله جنگ را بعنوان وسیله ای برای شگوفایی یا احیایی آنها انتخاب کرد که از آن زمان تا کنون در مکان های مختلف و با استفاده از رویکردهای متنوع و با تلاش های نظامی بعدی که انجام داد با موفقیت چندان همراه نبوده است.

در اوایل سال (2009) هنگامیکه «بارک اوباما» رییس جمهور؛ جنگ را برای حفظ برتری آمریکا به ارث گرفت؛ آشکار شد که ایالات متحده توانایی برنامه جاه طلبانه آزادی بوش را ندارد که وی آنرا گسترش آزادی بعنوان جاگزین بزرگ برای ایدئولوژی نفرت در مقابل تروریست ها نامید و به راه انداختن جنگ و ادعای مغرور بودن آمریکا را بعنوان تنها ابر قدرت با شجاعت سیاسی روی دست گرفت که البته نیاز داشت تا به این ارزو نایل آید اما او به توان و قدرت بیشتری نیاز داشت تا اینکه اگر «اوباما» در زمان زعامت خود بتواند به این هدف نایل آید پس روی همین اصل بود که جنگ به درازا کشانده شد.

در سال «2016» که این هم تلاش بشکل کل نا درست عنوان شد به «دونالد ترامپ» در پیروزی اش به حیث رییس جمهور شدن اش کمک کرد؛ اما زمانیکه «دونالد ترامپ» در دفتر کار خود تشریف آورد از به پایان دادن جنگ صرف نظر کرد و یاکه جنگ را غیر قابل توصیف؛ توصیف کرد؛ «ترامپ» قول داده بود که آمریکا را در «اولویت» قرار میدهد؛ در عوض رفتار نا منظم او آمریکایی «دمدمی مزاج» را به جهان نیا ن هدیه داد. جنگ به غیر از سکان به خواست خود ادامه یافت و با سپری شدن هفته های دیگری (جوابیدن) چهارمین مهندسی میشود که با انتظارات بازگشت تاریخ به مسیر قبلی دست خود را روی گلو اش قرار خواهد داد. و از همان روزی که او بکار خود در دفترش آغاز کند با انبوهی از پرابلمها ویا چلنج های فوری مواجه خواهد شد. و یا که او خواهد گفت بگذارید پیشنهاد کنم که پایان دادن به جنگ برای حفظ برتری آمریکایی ها باید در اولویت باشد.

آنچه که کاهش اش ضرور است انتخاب سخت و سفت در دست است چه با برخی از اهداف اصلی را به ادامه تلاش های نظامی ایالات متحده در افغانستان؛ عراق و در دیگر تیاتر های فعال جنگ در سراسر خاور میانه و آفریقا؛ یا شکست را بپذیرد و نیروها خود را بخانه بازگرداند و یاکه سنگر جنگ را گرم سازد و به جنگ ادامه دهد.

به بیان دیگر یا که آمریکایی ها را متقاعد سازند که ادامه جنگ برای حفظ اولویت آمریکا موجب تقویت جایگاه ملت آمریکا در صحنه جهانی میشود یا که مصارفات و یا هزینه های خود را کاهش دهیم و بپذیریم که ایالات متحده دیگر موتور یا محرک تاریخ نیست. علایم اولیه نشان میدهد که «بایدن» موضوع را ظریف میکند؛ وی ضمن قول دادن به ختم و یا پایان دادن به «جنگ های ابدی» که برای ایالات متحده هزینه ها یا مصارفات گزاف به جز از خون و گنجینه نداشته است؛ در عوض باز تعریف ماموریت خواهد شد. او با تکیه به حملات هوایی؛ نیروهای عملیات ویژه «نیروهای ویژه ای عملیات» و مستشاران آمریکایی که با نیروهای محلی کار میکنند؛ مبارزه با القاعده و داعش را ادامه خواهند داد با این استراتژی در نتیجه مصلحت نظام قرار میگیرد.

در حقیقت «بایدن» احتمالاً سیاست فرار را دنبال خواهد کرد و مایل نیست که با شکست های نظامی؛ ناامیدی ها و موفقیت های ظاهری که به نظر میرسد توهم آمیز است به ارزش دو دهه حساب کند؛ گرچه فرار ممکن است به تاخیر بیاندازد اما نمیتواند چنین حسابداری را بر طرف کند. در پایان حقیقت آشکار خواهد شد؛ اما تنها سوال این است؟ که چقدر آمریکایی ها بیشتر مجبور به پرداخت میشوند. واقعیت این است که جنگ برای حفظ اولویت های آمریکا به دور از تحریک

بخشیدن به تقدم امريكا ؛ روند زوال وسقوط امريكا را تسريع كرد . عليرغم صرف هزينه هاى گزاف منابع نتوانست به پيروزي در خارج از كشور دست يابد . ايالات متحده با انباشت بحران هاى داخلى روبرو شده است كه اين دو باهم مرتبط هستند .

با ادامه جنگ ؛ اختلافات موجود در امريكا عميق تر شده است؛ نژاد پرستى بومى ؛ نابرابرى اقتصادى ؛ اختلال در عملکرد سياسى ؛ بيگانگى كه بعنوان نشانه مدرنيته متاخر ظاهر شده است ؛ هيچ يك از اين ها بعنوان پديده هاى اخير واجد شرايط نيستند . با اينحال تا زمانيكه تخيلات ايالات متحده بعنوان عامل تعيين شده تاريخ ادامه دارد ؛ اين توهمات نيز وجود دارد . كه ادعاى عضلانى رهبر جهانى امريكا در نهايت باعث برطرف شدن امور خواهد شد . امروز فرصتى وجود ندارد كه جنگ براى حفظ برترى آمريكايى كه هريك از اهداف بى شمارى كه از سال «2001» براى توجيه دوام آن ارايه شده است برسد . تصديق اين واقيعت پيش شرط اصلاح همه چيز هاى است ؛ كه در كشور ما شكسته شده است هرچه كه كار تعمير زودتر شروع شود بهتر است .

هنگاميكه نوبت به آغاز جنگ ميرسد ؛ رهبران آمريكايى پس از جنگ سرد خسارات قابل توجهى از خود نشان داده و احتياط را از پنجره به بيرون پرتاب ميكنند ؛ اگرچه نوبت به پايان دادن به جنگ ميرسد ؛ احتياط شروع ميشود ؛ پايان دادن به آنها با « مسوليت » منطقى براى بى عملى ميشود يعنى كه به کدام اقدام منطقى بخاطر ختم جنگ اين رهبران آمريكايى نمى پردازند .

با اين حال لحظه اى است كه خواستار جسارت در خاتمه دادن جنگ ها است ؛ جنگ هاى كه همه بيهوده و بى مورد است وهم جسارت براى ترميم خساراتى كه ايالات متحده در سال هاى اخير متحمل شده است ؛ آيا « جوباين » جرئت و جسارت لازم براى ترسيم يك دوره اى جديد را دارد ياخير .

===== **با تقديم احترامات «0102021-17»** =====